

باز آفرینی شهرستان رشیدی*

مهندس احمد سعیدنیا**

چکیده:

شهرستان رشیدی مجموعه سکونتی و دانشگاهی بزرگی بوده است، که در قرن هشتم هجری در حومه دارالسلطنه تبریز، به دست رشیدالدین فضل‌اله همدانی وزیر فرزانه پادشاهان مغول (ایلخانان) ساخته شد. رشیدالدین این مجموعه سکونتی و دانشگاهی را رشیدآباد خوانده است.

طبق مستندات و قفنامه ربع رشیدی، شهر رشیدآباد شامل دو بخش بود: یکی ربع رشیدی و دیگری شهرستان رشیدی. ربع رشیدی مانند قلعه‌ای در قلب شهرستان قرار گرفته و دارای عملکردهای آموزشی، مذهبی، درمانی بود. شهرستان رشیدی از محلات مختلف تشکیل می‌گردد و عناصر مهم شهری مانند بازار، قیصریه، کاروانسراها، حمام‌ها، مساجد، کارخانه‌های کاغذسازی و رنگ‌سازی، گازرگانه در آن قرار داشت. تمام این مجموعه و باغ‌های آن در بارویی محصور بود که با چهار دروازه به اطراف راه می‌یافت.

در مرحله اول این تحقیق، نظام کالبدی ربع رشیدی مورد پژوهش قرار گرفت و در این مرحله سازمان فضایی شهرستان رشیدی بررسی می‌شود. در این تحقیق؛ براساس داده‌های وقفنامه یک طرح شماتیک فرضی از شهرستان رشیدی به دست داده شده است. این طرح کاملاً منطبق با مستندات و قفنامه ربع رشیدی نوشته رشیدالدین فضل‌اله است، البته سایر منابع نیز دیده شده اما طرح، مبتنی است بر داده‌های وقفنامه.

روش تحقیق تحلیل محتوا است و گزینه تصویری، از طریق آزمون و خطای فرضیه‌های متعدد به دست آمده است. تحلیل سیستم آبرسانی شهر که در نوع خود بی‌نظیر است؛ به شکل‌گیری زمینه‌های طرح فرضی شهرستان کمک اساسی نموده است.

در مرحله سوم این طرح، که بعداً انجام خواهد شد، سعی می‌شود که این طرح فرضی با موقعیت زمین قلعه رشیدی در شهر تبریز انطباق داده شود.

واژه‌های کلیدی:

سازمان فضایی، ساختار کالبدی، نظام محله‌بندی، نظام آبرسانی ایمن، ایسر، ممر، کریاس، مقسم، دروازه، بازار، قیصریه، گازرگانه.

* این تحقیق با استفاده از اعتبارات معاونت پژوهشی دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۰ انجام گرفته است.

** استادیار دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران گروه شهرسازی.

مقدمه

طرح مسئله

در قرن هشتم هجری در عصر ایلخانیان و پادشاهی غازان خان، به همت بلند وزیر فرزانه رشیدالدین فضل‌اله، شهر جدیدی در نزدیکی تبریز پایتخت ایلخانیان بنیاد گذاشته شد که در قلب آن بزرگ‌ترین مؤسسه وقف علمی، دینی و فرهنگی دوره اسلامی یعنی "ربع رشیدی" قرار داشت.

بنیادگذاری شهرستان و ربع رشیدی از بدیع‌ترین تجربیات شهرسازی ایران در دوره اسلامی است، اما از بد روزگار و طبع ویرانگر مغولان و تاتارها، پس از به قتل رساندن رشیدالدین؛ تمام شهر و بنیاد ربع رشیدی را تخریب کرده و تمام دارایی آن را غارت کردند و امروز جز تلی خاک از آن چیزی باقی نمانده است. متأسفانه امروزه نیز با گسترش شهر تبریز بقایای آن یعنی قلعه یا تپه رشیدی از روی ندانستگی و ندانمکاری مورد تجاوز خانه‌سازی قرار گرفته است و بقایای آن نیز در معرض خطر توسعه بی‌رویه شهری است.

ربع و شهرستان رشیدی نمونه ممتازی از طرح‌ریزی، برنامه‌ریزی، مدیریت و نظارت شهری است که به جرأت می‌توان گفت؛ در تاریخ شهرسازی ایران و جهان بی‌بدیل است و سامان آن شاهکاری از بنیاد وقف در جهان به شمار می‌رود.

تمام خصوصیات این مجتمع فرهنگی و سکونت‌بی‌نظیر در متن وقفنامه ربع رشیدی به خامه رشیدالدین با شیوایی بیان شده است. بررسی هر یک از ویژگی‌های آن، به تنهایی می‌تواند موضوع پژوهش مستقلی باشد، البته تاکنون برخی از ویژگی‌های ربع رشیدی از لحاظ فرهنگی، آموزشی و مدیریتی مورد پژوهش و بررسی محققان بزرگ قرار گرفته و تعدادی مقاله و کتاب در زمینه نظام فرهنگی و بنیاد و فقه ربع و شهرستان رشیدی نگاشته شده است، اما به دلیل نابودی آثار ساختمانی این میراث بزرگ؛ سازمان کالبدی و ساختار شهرسازی و معماری آن، همچنان بدون پاسخ مانده است. هرچند که برخی پژوهشگران مانند ویلبر و شیلا بلیر پرفسور هوفمن در این زمینه صمیمانه کوشیده‌اند تا به رازهای آن پی ببرند، اما به دلیل دشواری‌های کار، موضوع شالوده‌های شهری شهرستان همچنان در ابهام باقی مانده است.

شناخت سنت‌های شهرسازی ایران در عصر مغولان ایجاب می‌کند که شالوده شهرستان رشید مورد اکتشاف باستان‌شناسی قرار گیرد و پژوهش‌های میدانی برای گشودن رازهای سر به مهر آن به عمل آید. اما ذهن کنجکاو پژوهنده نمی‌تواند تا آن زمان شکیبایی کند. رشیدالدین در مقدمه وقفنامه (ص ۷) مطالبی را در زمینه اصول

طرح‌ریزی بیان می‌کند که نشان می‌دهد طرح شهرسازی شهرستان آن چنان در ضمیر و ذهن رشیدالدین شکل گرفته است که می‌تواند آن را بی‌کم و کاست پیاده کند. چگونگی این فرایند در مقدمه وقفنامه با ذکر مثال طرح اصلی تخت و عنوان استاد مهندس اشاره نموده است.

این مطالب انگیزه شناسایی طرح ربع و شهرستان رشیدی را قبل از اکتشافات باستان‌شناسی برمی‌انگیزد و این سؤال نخستین را مطرح می‌سازد؛ که طرح ربع و شهرستان رشیدی چگونه بوده است؟ این طرح چگونه در ذهن و ضمیر رشیدالدین شکل گرفته؟ چگونه آن را به منصفه عمل درآورده است؟ یافتن پاسخ برای این سؤالات مستلزم سؤال کلی‌تری نیز هست؛ آن سؤال اینست که نظام شهرسازی شهرستان در عصر مغولان چگونه بوده است؟

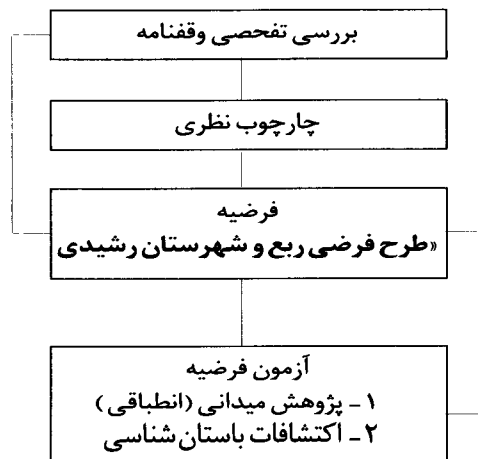
خوشبختانه مطالب دقیق مندرج در متن وقفنامه، بهترین اطلاعات را در اختیار محقق کنجکاو قرار می‌دهد. اما این مطالب مانند قطعات پازلی است که هر چند تمام قطعات آن کامل است، اما نحوه ترکیب و پیوند آن‌ها نیاز به تلاش پیگیر و در عین حال قوت تخیل دارد. این همان چیزی است که رشیدالدین در صفحه ۷ وقفنامه بدان اشاره کرده است و برای اطلاع خوانندگان و به عنوان نتیجه‌گیری نهایی در روش پایان این تحقیق عیناً آورده شده است.

روش این تحقیق مبتنی بر دقت در مطالب و نکات باریک‌تر از موی متن وقفنامه و در حقیقت روش تحلیل محتوا است. در حالی که رهیافت راهبردی آن بر روش اکتشافی استوار است. تدوین طرح مستلزم آزمون و خطا مکرر و ابطال فرضیه‌های متعدد برای هر مورد بوده است، به طوری که هر فرضیه به زودی رد و جای خود را به فرضیه دیگر می‌داد. شرح چگونگی دست‌یافتن به طرح فرضی اولیه بسیار مفصل است. شاید برخی قسمت‌های متن وقفنامه بیش از بیست بار خوانده شد.

سرانجام پس از دو سال آزمون و خطا، کلیات طرح فرضی شهرستان رشیدی در ذهن شکل گرفت و به کمک مستندات وقفنامه توجیه گردید و اکنون نتایج آن برای آگاهی پژوهندگان شهرسازی و علاقمندان به فرهنگ ایران عرضه می‌گردد.

طرح تحقیق شهرستان رشیدی در سه مرحله تنظیم شده است، که تاکنون دو مرحله آن انجام گرفته است؛ این سه مرحله عبارتند از:

- مرحله اول، پژوهش در ساختار فضایی ربع رشیدی



چراغ راه، فضای تاریک مسیرهای پریچ و خم را روشن می‌سازد. به امید این‌که چنین فرصتی برای ادامه تحقیق فراهم شود.

توضیح سوم: در اینجا چاره‌ای جز گزیده‌گویی نیست.

بنابر این از شرح و بسط مربوط به دوره ایلخانیان و شخصیت رشیدالدین و از تفصیل آن چه در آزمون و خطاها رخ داده است می‌گذریم و نتایج نهایی تحقیق ارائه می‌شود. نقشه نهایی که به عنوان طرح بازآفرین شهرستان و ربع رشیدی ارائه شده است؛ در واقع مانند چراغی است برای خواندن متن وقفنامه یا به عبارتی بهتر اندیشه‌های بی‌بدیل رشیدالدین فضل‌اله همدانی وزیر فرازنه ایلخانیان.

توضیح چهارم: برای پی‌بردن به ساختار کلی طرح

شهرستان رشیدی بررسی نظام آب و آبرسانی شهرستان به عنوان مبنای مطالعه قرار گرفت. لازم به گفتن است که نظام آبرسانی شهرستان رشیدی بدیع‌ترین اقدام شهرسازی است، که به عنوان زمینه طرح تلقی شد و به کمک آن می‌توان محل عناصر و مسیر معابر شهری را شناسایی کرد.

معهدا لازم است که آن زمینه به صورت فرضیه کلی قبلاً در ذهن شکل گرفته باشد، تا بتوان از داده‌های مربوط به نظام آبرسانی برای تکمیل زمینه طرح بهره گرفت. بنابر این هر کدام از این دو مکمل دیگری است و از مقابله آنها با همدیگر پاسخ برای مسایل پیدا شده است. بحث در مورد چگونگی آبرسانی شهرستان رشیدی؛ در مقاله جداگانه‌ای باید مطرح شود.

این پژوهش در سال ۱۳۷۹ به پایان رسید و چکیده آن در شماره ۷ مجله هنر به چاپ رسید.

- مرحله دوم، پژوهش در ساختار فضایی شهرستان رشیدی که نتایج آن در تحقیق حاضر عرضه می‌شود.
- مرحله سوم، انطباق طرح فرضی ربع و شهرستان رشیدی با بقایا و آثار قلعه رشیدی که پس از این مرحله بدان خواهیم پرداخت. در اینجا برای روشن شدن برخی مسایل چند توضیح لازم است.

توضیح اول: طرح فرضی ربع رشیدی که در مرحله اول

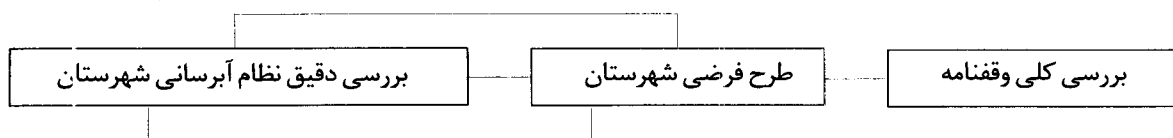
ارائه شد نواقصی و ابهاماتی داشت، که همان‌جا در متن تحقیق بدان‌ها اشاره و اذعان گردید و اصلاح آن‌ها به تحقیق در ساختار شهرستان رشیدی موکول شد.

اصولاً شناسایی دقیق‌تر ساختار ربع رشیدی مستلزم شناسایی ساختار کلی شهرستان رشیدی است. زیرا از نظر کالبدی، ربع جزئی از کل شهرستان است مطالعات شناسایی شهرستان نشان داد که گزینه یا فرضیه دوم ربع رشیدی صحیح‌تر از گزینه اول است. در حالی که فرضیه اول به عنوان طرح فرضی ربع رشیدی (مرحله اول) ارائه و در مجله نیز منتشر گردیده است. اما در اینجا یعنی در پژوهش شهرستان رشیدی؛ گزینه دوم طرح فرضی ربع رشیدی که با ساختار شهرستان انطباق بیشتری دارد ارائه شده و با اصلاحات لازم در متن طرح فرضی شهرستان گنجانده شده است. البته گزینه دوم ربع رشیدی نیاز به توضیحاتی دارد که در جای خود به اختصار بدان‌ها اشاره می‌شود.

توضیح دوم: پی‌بردن به ساختار شهرستان از روی مفاد

متن وقفنامه آن‌چنان دشوار است که به سهولت در ذهن شکل نمی‌گیرد. آن‌چه ارائه شده بایستی به عنوان یک فرضیه تلقی شود. هرچند این فرضیه مستند به مفاد وقفنامه می‌باشد، اما جایگاه یک فرضیه منطقی را در فرایند این تحقیق دارد و لازم است مورد آزمون گسترده با واقعیت قرار گیرد.

انطباق این طرح فرضی با محوطه قلعه رشیدی خود پژوهش مستقلی را می‌طلبد که نیاز به فعالیت میدانی دقیق و وسیع دارد و باید آن‌را به عنوان آزمون فرضیه تلقی نمود. زیرا احتمال نفی یا اثبات این فرضیه یا بخش‌هایی از آن در بوته آزمایش وجود دارد. اصولاً از لحاظ متدلوژی علم، نیز هر پژوهش علمی با کمک فرضیه‌ای اصولی امکان‌پذیر است. به‌ویژه در تحقیقات اکتشافی که فرضیه به عنوان



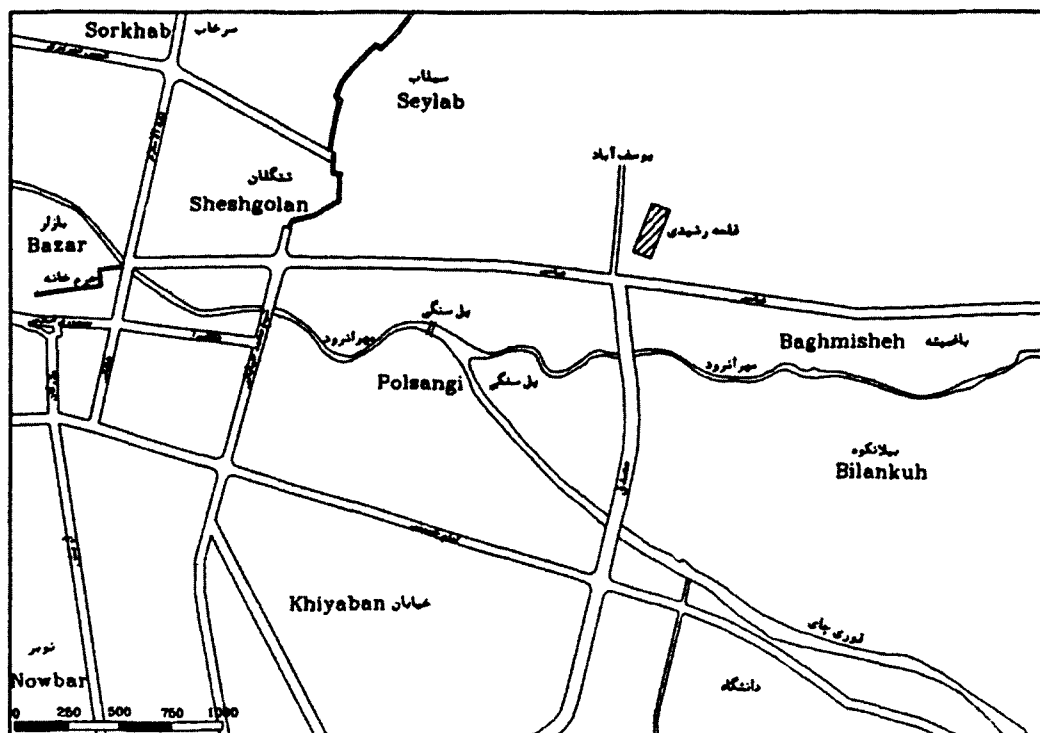
موقعیت شهرستان رشیدی

شهرستان رشیدی در شرق شهر تبریز و در شمال مهرانرود و ویلانکوه قرار دارد. تا چند سال پیش از توسعه‌های جدید، شهرستان رشیدی چند کیلومتری در خارج شهر قرار داشت، لیکن امروزه تمام اراضی مشهور به قلعه رشیدی و پیرامون آنها تبدیل به شهر شده و ناحیه مسکونی اطراف آن محله یوسف‌آباد خوانده می‌شود. جاده قدیمی که از تبریز به باغمیشه می‌رفت، امروزه موسوم به خیابان عباسی است، که از جنوب قلعه رشیدی می‌گذرد.

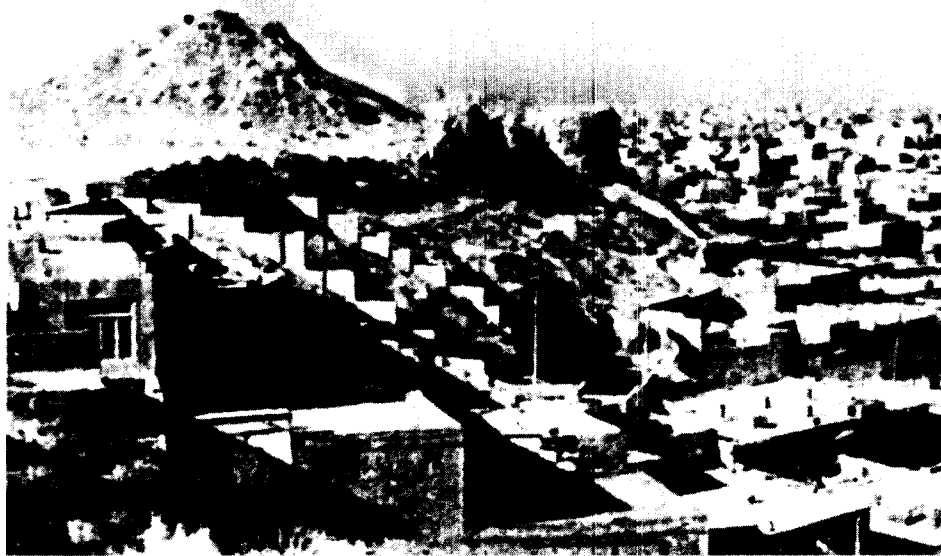
قلعه رشیدی بقایای خرابه‌های ربع و شهرستان رشیدی است که به دست رشیدالدین فضل‌اله عمادالدوله ابوالخیر وزیر ایلخانیان در سال ۶۷۵ هجری حدود ۱۲۰۰ میلادی ساخته شد و بزرگ‌ترین مرکز دانشگاهی دوره اسلامی در آن بنیاد نهاد.

در آن هنگام شهرستان رشیدی در حومه شهر تبریز و در داخل قلعه غازانی قرار داشت. پس از عزل و قتل رشیدالدین فضل‌اله توسط ابوسعید آخرین پادشاه ایلخانی، ربع رشیدی غارت و برخی مستحقات آن ویران گردید، چندی بعد فرزند او محمدغیاث‌الدین به

صدارات منصوب شد و دوباره آن را آباد ساخت، اما او نیز در سال ۷۲۶ هجری به قتل رسید و شهرستان رشیدی دوباره تاراج شد. سرانجام در عصر میرانشاه پسر تیمورلنگ به بهانه یهودی پنداشتن رشیدالدین بقایای ربع رشیدی با خاک یکسان شد. امروزه هیچ‌یک از آثار شهرستان و ربع رشیدی در روی خرابه‌های قلعه رشیدی قابل تشخیص نیست. آنچه بیشتر آشکار است پایه برج‌ها و بخش‌هایی از دیوارها و استحکامات قلعه‌ای است که احتمالاً در زمان شاه‌عباس صفوی برای استحکامات نظامی در مقابل عساکر عثمانی احداث شده است. قاطع‌ترین نشانی مبنی بر این‌که در این محل در زمان مغول ساختمان‌هایی شده است؛ وجود قطعاتی سفال کاشی است که بسیاری از آنها شبیه قطعات متعلق به مقبره غازان خان است. (ویلیبر ۱۳۶۵: ۱۴۲) اما رشیدالدین به صراحت در مورد مؤسسات خیریه خود در ربع رشیدی می‌گوید «... از آن جمله یک روضه ربع رشیدی است که انشاء این ضعیف است به دارالملک تبریز بیرون شهر به موضع سرخاب...» (وقفنامه: ۲۵۰)



نقشه موقعیت ربع رشیدی در شهر تبریز مقیاس ۱:۲۱۰۰۰۰ خیابان عباسی، خیابان شهید رجانی، محله یوسف‌آباد، در دامنه کوه سرخاب، خرابه‌های باقیمانده از شهرستان رشیدی بنام قلعه رشیدی قرار گرفته و در سالهای اخیر با توسعه‌های بی‌رویه شهری محصور شده است.



عکس از خرابه های قلعه رشیدی که بخش غربی آن مورد هجوم خانه سازی قرار گرفته است. مهرماه ۱۳۷۸.

اصلاح طرح فرضی ربع رشیدی

با تتبع بیشتر در وقفنامه ربع رشیدی، اکنون طرح فرضی شهرستان رشیدی و ربع رشیدی با همدیگر ارائه می‌گردد. در چارچوب طرح شهرستان ضرورتاً اصلاحاتی در طرح فرضی ربع رشیدی به عمل آمده است. این تحقیق در سازمان فضایی شهرستان و سازمان فضایی ربع رشیدی لازم و ملزوم یکدیگراند، و نمی‌توان آن‌ها را جدای از همدیگر مورد بررسی قرار داد. معهداً به منظور پیشبرد امر تحقیق و به ویژه نحوه طرح مسائل آن در وقفنامه؛ ابتدا ربع رشیدی و سپس شهرستان رشیدی مورد تحقیق اکتشافی قرار گرفت و طرح‌های فرضی آن‌ها ارائه گردید. البته در بخش نخست نیز اشاره شد که برخی از مسائل طرح فرضی ربع رشیدی پس از شکل‌گیری ذهنی طرح شهرستان قابل پیگیری است و همین‌طور نیز شد.

مهم‌ترین اصلاح در طرح ربع رشیدی مربوط می‌شود به ورودی اصلی ربع. در گزارش نخستین در گزینه انتخابی؛ ربع رشیدی دارای دو دروازه در دو سوی چپ و راست (احتمالاً شرق و غرب) شهر تصور شد. دلیل آن همسویی دو دروازه روضه، به نام‌های سردرگاه ایمن و سردرگاه ایسر و دو دروازه ربع به نام‌های فتح‌الابواب و باب‌الابواب با یکدیگر بوده است. به ویژه که دروازه مفتوح‌الابواب در مرحله اول و دروازه باب‌الابواب در مرحله دوم در ربع رشیدی احداث شده است. در حالی که دروازه بخش جدید (به گفته رشیدالدین) بیرون دروازه نخستین ساخته شد. «این ربع رشیدی

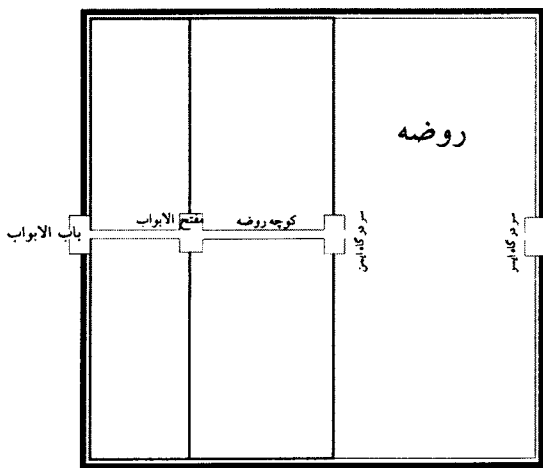
عبارت از دو موضع است که یکی پیشتر بنیاد رفته بود. باروی آن کشیده و آن را درگاهی ساخته که مناره متصل آن است (منظور مفتوح‌الابواب) یکی دیگر پستر بارو کشیده و اضافه آن بروی اولین کرده و متصل آن گردانیده و دروازه دیگر بیرون آن ساخته و همه با هم یکی کرده و آن مجموع را ربع رشیدی نام نهاده‌ایم». (وقفنامه: ۴۱)

۱- کلمه بیرون را می‌توان چنین تعبیر نمود: دروازه باب‌الابواب را بیرون دروازه مفتوح‌الابواب ساخته است.

۲- در وقفنامه رشیدی تنها در یکجا (ص ۲۱۱) از ورودی اصلی ربع رشیدی به نام کریاس ربع رشیدی نام برده شده است که منقسم ریض در نزدیک آن قرار دارد و همچنین خیابان (بمر) بزرگ شهرستان رشیدی که از بازار به طرف بالا می‌رود به دروازه ربع رشیدی متصل می‌شود. (وقفنامه: ۴۲)

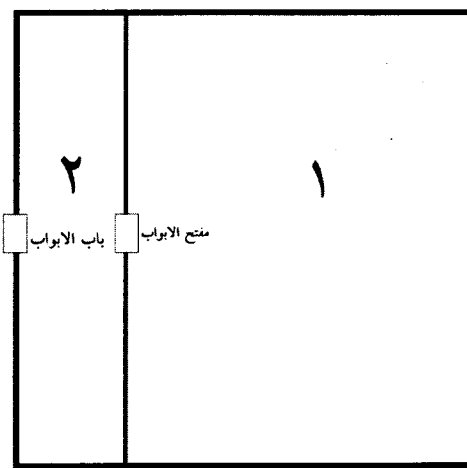
۳- علی‌الرسم قلعه‌ها درون شهر یا ارگ‌ها در شهرهای کهن ایران برای ایمنی بیشتر معمولاً دارای یک دروازه ورودی بوده‌اند. چنان‌که در همان دوره و همزمان با ربع رشیدی قلعه سلطنتی (غازانی) شهر سلطانیه نیز دارای یک دروازه ورودی بوده است. (میرفتاح، ۱۳۷۰: ص ۱۶۲)

۴- وجود محوطه‌ای به نام صحن مفتوح‌الابواب در مقابل دروازه مفتوح‌الابواب، را می‌توان چنین تصور نمود: که از چهار سو توسط ساختمان‌ها محصور شده باشد و در واقع فضایی است فیما بین دو دروازه مفتوح‌الابواب و باب‌الابواب که مانند هشتی در



شکل ۲ - ساختار فرضی ربع رشیدی

(فرضیه - احمد سعیدنیا)



شکل ۱ - ساختار فرضی ربع رشیدی

(فرضیه - احمد سعیدنیا)

کنند و رخصت ندهند که به واسطه آنک بعضی مواضع آش دادن از آن مفتح الابواب دور است به غیر از موضع مذکور جایی دیگر آن نان تسلیم قابض کنند. چون قطعاً رخصت نیست به هیچ سببی از اسباب و تأویلی از تأویلات که آن نان در موضعی دیگر تسلیم کنند. (همان جا ۱۶۱)

این مسئله باز شک جدید را پدید می آورد که بایستی مفتح الابواب نزدیک سردرگاه ایسر (چپ) روضه قرار داشته باشد، زیرا در وضعیت جدید، بایستی در زمستان، نان در سردرگاه ایسر تقسیم و توزیع شود. لازمه این کار این است که افراد و نانوایان در صحن روضه بایستند و برای این منظور در روضه آمد و شد کنند که با توجه به حساسیت رشیدالدین نسبت به کارکرد روضه چنین عملی قابل قبول نیست.

بهر حال این مشکل به جای خود می ماند و علاوه بر آن همان طوری که در بخش نخست نیز اذعان شد اشکالات و سؤالات دیگری نیز هنوز باقی است. منشاء این سؤالات و اشکالات باز می گردد به مفهوم سمت راست و چپ روضه ربع و شهرستان که می توان آن را به معنی شرق و غرب تلقی نمود، در حالی که در اغلب فرهنگ لغات به معنی شمال و جنوب نیز تعبیر شده است.

موضوع چپ و راست (ایمن و ایسر) سردرگاه های روضه و رابطه با ورودی ها ربع و چپ و راست فضای دارالضیافه هنوز مورد سؤال می باشد و یکی از معضلات این تحقیق است و اغلب باعث شک و تردید در طرح های فرضی و تعارض بین داده ها بوده است. هر چند که این موضوع در شهرستان به مفهوم شرق و غرب می باشد. اما همان طوری که در تحقیق ربع رشیدی بخش نخست این پژوهش گفته شد، نمی توان کل تحقیق و طرح فرضی ربع شهرستان رشیدی را به خاطر این معضلات و تردیدها مسکوت گذاشت، زیرا مسلماً در سکوت راه حلی برای آن ها پیدا نمی شود. لازمه حل این مسائل مطرح ساختن آن با محققین و در میان گذاشتن نتایج به دست آمده با پژوهشگران و اذهان کنجکاو است که اندیشه ورزی آنان پاسخ برای آن ها بیابد و یا دست کم این پژوهنده را برای یافتن پاسخ یاری دهند.

معماری مساجد و عمارات بزرگ عمل می نموده است. در همان جا نان را هر پگاه میان ساکنان ربع رشیدی تقسیم می نمودند. (ص: ۱۶۱)

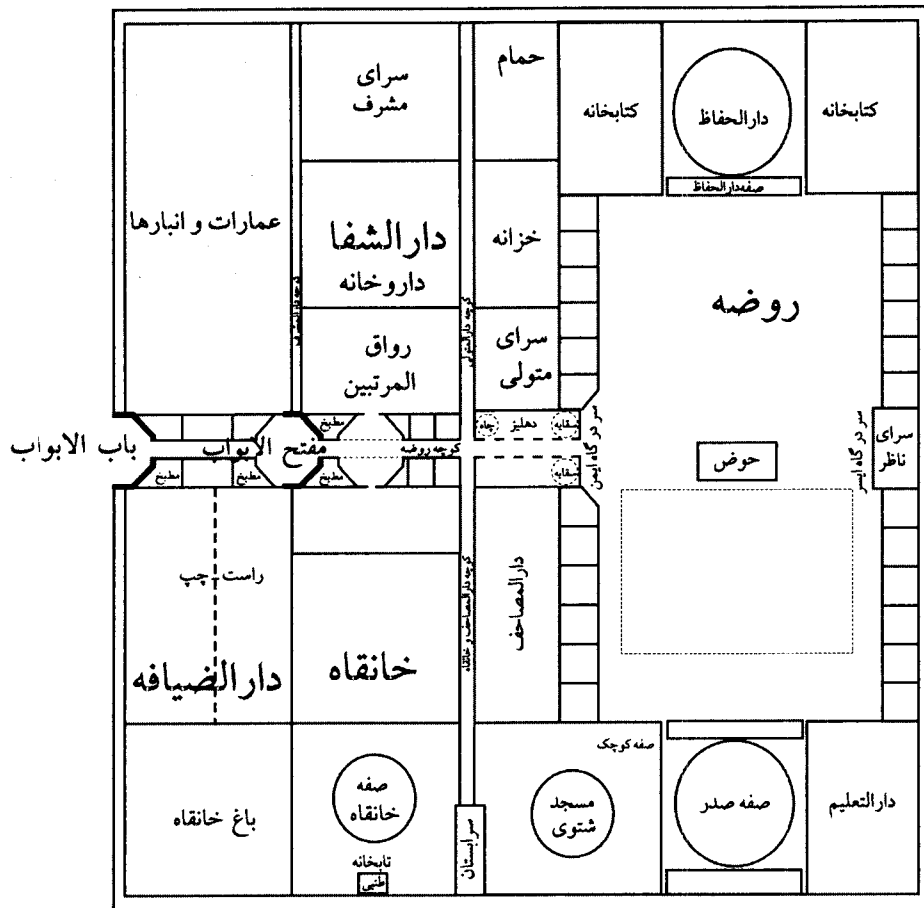
شیللا بلیر S. Blair در تحقیق معماری ربع رشیدی این مسئله را بدون ذکر دلائل به صورت همجوار همدیگر مطرح ساخته است. (S. Blair, 1958:75).

با توجه به این نکات فرضیه یا گزینه پیشنهادی در مرحله اول طبق شکل شماره ۱ و ۲ تصحیح گردید. در گزینه نخستین دروازه مفتح الابواب و باب الابواب در دو سوی ربع قرار داشتند و بدین ترتیب ربع دارای دو ورودی بود. در حالی که در گزینه حاضر ربع دارای یک دروازه ورودی است که به صحن دروازه نخستین متصل گردیده است.

کلمه باب الابواب در لغت به معنی در همه درها است (فرهنگ معین) و از آن به سایر درها یا دروازه می توان راه یافت. بدین ترتیب برای ورود به روضه ربع رشیدی بایستی ابتدا از باب الابواب وارد صحن مفتح الابواب شد سپس از دروازه مفتح الابواب وارد کوچه روضه گردید و پس از عبور از سردرگاه ایمن (خانه متولی) وارد روضه شد. و مانند هشتی در معماری ابنیه ایرانی نقش فیلتری را ایفا می نموده و در واقع نظارت به حرکات و آمد و رفت ها برای منظورهای خاص را آسان می ساخته است. به ویژه برای کسانی که در روضه کاری نداشته و به دارالضیافه و یا به سایر عمارات جدید که احتمالاً انبار بوده اند و یا کاربری دیگری داشته اند، آمد و رفت می کرده اند.

نکته دیگر؛ صحن مفتح الابواب محل تقسیم نان میان ساکنین ربع رشیدی بوده است که هر صبحگاه «در تابستان در موضعی که آن را مفتح الابواب می گویند و آن صحن درگاه مناره و دارالضیافه است و در زمستان در دهلیز روضه که بالای آن دهلیز مسکن ناظر که مانند نایب متولی است فروگیرند و قیامی و ترازویی نیکو عدل در آن جا درآویزند...» (ص ۱۶۱)

از این که دروازه مفتح الابواب یا سردرگاه اولین سمت راست روضه قرار دارد تصریح شده است. (ص ۱۸۹) معهدا در جای دیگر تاکید می ورزد: «...و قطعاً نگویند و اندیشه



شکل ۳ - طرح فرضی ربع رشیدی (فرضیه احمد سعیدنیا)

ساختار و سازمان شهرستان رشیدی

بزرگی است که ملازمان و مجاوران شیخ در آن اقامت دارند، همچنین دارای دارالشفایی است که محل تعلیمات پزشکی و ارائه خدمات درمانی به اهالی شهرستان می‌باشد. دارالضیافه محل پذیرایی ملازمان و مجاوران ربع رشیدی است. متولی، مشرف و ناظر که مدیران ربع و شهرستان هستند؛ در داخل ربع هر یک سرای و سرایچه خاصی دارند.

ویژگی‌های سازمان فضایی ربع رشیدی در مرحله اول این تحقیق مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت و نقش، تصویری و فرضی آن براساس مستندات متن و قفنامه ترسیم شد. در این مرحله پس از دقت بیشتر در جزئیات و انطباق با شهرستان ابهامات و نواقص آن مرتفع و نقشه آن با تغییرات جزئی تکمیل و در متن نقشه نهایی شهرستان گنجانده شده است. مهم‌ترین تغییرات این است که ربع رشیدی دارای یک ورودی اصلی است، به نام "باب الابواب" که بعداً در جلوی دروازه یادرگاه نخستین یعنی "مفتاح الابواب" به گونه‌ای ساخته شده که فیما بین آنها صحنی پدید آمده است. کوچه روضه و ورودی دارالضیافه (ایسر و ایمن) و سایر عمارات بدین صحن گشوده می‌شوند. در حالی که در مرحله اول این پژوهش چنین تصور می‌شد که این دو درگاه در دوسوی چپ و راست ربع رشیدی قرار دارند. حال بدین ترتیب اصلاح گردیده و در شکل شماره ۳ ترسیم شده است.

از تحلیل محتوای متن و قفنامه، در زمینه سازمان آبرسانی و نظام استقرار باغ‌ها و محله‌های مسکونی؛ مشخص می‌شود که شهرستان رشیدی همانند الگوی کلی شهرهای کهن ایران از چهار بخش اصلی تشکیل یافته است. این چهار بخش عبارتند از:

۱- ربع، ۲- ربض، ۳- شهرستان، ۴- باغ‌ها

۱ ربع رشیدی

کانون و هسته اصلی شهرستان رشیدی و مانند شهرهای کهن دارای قلعه مستقلی است با برج و بارو، که به وسیله دو دروازه تو در تو که مجموعاً یک ورودی را تشکیل می‌دهند به خیابان اصلی شهر راه می‌یابد. این خیابان از یکسو به بازار شهرستان و از سوی دیگر به باغ رشید آباد امتداد می‌یابد. جلو خان ورودی ربع به صورت دالانی سرپوشیده است، کریاس ربع به شمار می‌رود.

ربع رشیدی دارای کارکردی دینی، آموزشی و فرهنگی است و تمامی ابواب البر رشیدی شامل بقعه آرامگاه رشیدالدین به نام "دارالحفاظ" مسجد شتوی و مسجد صیفی، دارالتعلیم، دارالمصاحف و کتابخانه‌ها در پیرامون صحن وسیع "روضه" مستقر شده‌اند و متعلمین و معلمین، واعظ و امام جماعت در حجره‌های آن به‌طور مجرد اسکان دارند و به تعلیمات و عبادات مشغول‌اند.

کارکرد ربع رشیدی منحصر به این نیست، بلکه دارای خانقاه

۲ رِبض

ناحیه مسکونی ویژه خانواده کارکنان و کارگزاران ربیع رشیدی در مرحله ربض قرار دارد. تمامی کارکنان ربیع رشیدی از متولی تا طلاب و نگهبانان و خدمه مجرد در ربیع زندگی می‌کنند و هر یک که متأهل اند برای خانواده خود در ربض خانه‌ای ساخته یا از متولی اجاره می‌کنند. ربض خود به دو بخش ربض بالایی و ربض پایینی تقسیم می‌گردد. ربض بالایی به نام محله صالحیه مختص افرادی است که در ربیع رشیدی دارای مسئولیت‌های مستقیم هستند و ربض پایینی ویژه سایر کارگزاران و نظامیان شهرستان رشیدی است.

۳ شهرستان

بخش شهرستان سکونتگاه عامه مردم مانند کسبه، پیشه‌وران و برخی از کارکنان ربیع رشیدی است. علاوه بر محلات سکونت‌بازار شهر، قیصریه، مسجد جامع شهرستان، حمام‌ها، دارالمساکین، گازرگاه و کاغذخانه‌ها در داخل شهرستان استقرار یافته‌اند. مسجد جامع، قیصریه، دارالمساکین و مطبخ آن و کاروانسراها و سراها در داخل بازاری قرار دارند که بین دروازه تبریز تا دروازه عراق امتداد یافته است.

حمام‌های شهر برخی در ربض پایینی و مهم‌ترین آنها در محله‌های نزدیک بازار و جامع شهرستان قرار گرفته‌اند. در پایین دست بازار و محله‌های آن کاغذخانه‌ها استقرار یافته‌اند که برای دارالمصاحف جهت تهیه نسخه‌های خطی از قرآن و کتب حدیث کاغذ تهیه می‌کردند.

گازرگاه (رختشویخانه) در پایین‌ترین محله‌های شهرستان قرار گرفته است و اضافه آب‌های مصرفی شهر بدان سرازیر می‌شود و اضافه آب‌های (فاضلاب) آن نیز به بیرون شهر و به میان مزارع یا تره‌زارها جریان می‌یابد.

۴ باغات

شهرستان رشیدی مانند باغشهری است که باغ‌های متعددی در درون و پیرامون آن دایر است. باغ‌ها در نظام شهری شهرستان نقش مهمی دارند، زیرا تامین بخشی از مواد غذایی و مواد سوخت و آب شهر به عهده باغ‌ها است. حیات شهری به باغ‌ها وابسته بوده است.

در الگوی کهن شهرهای ایرانی، آبادانی باغ‌ها ضرورت حیاتی داشته است. به همین جهت نیز رشیدالدین فضل‌اله به توسعه باغ‌ها و آبادانی آنها همت گماشته و بارها در وقفنامه و در مکاتیب خود به آبادانی آنها اشاره نموده و نسبت به حفظ و عمران باغ‌ها با حساسیت تاکید ورزیده است.

شهرستان رشیدی در شمال محصور به باغ رشیدآباد و در جنوب شرقی به باغ فتح‌آباد بوده است. در هر باغ قریه‌ای وجود داشت که غلامان در آن اقامت داشتند و به باغبانی و نگهداری و حفر کاریز و عمارت ابنیه آن می‌پرداختند. این باغ‌ها جزء جدایی‌ناپذیر

شهر به شمار می‌رفتند و با نظام آبیاری و آبرسانی شهری یک مجموعه یا سازمان واحدی را تشکیل می‌دادند.

علاوه بر باغات دهات نزدیک شهرستان نیز به شهر وابسته بودند و نان و ارزاق شهر را تامین می‌کردند؛ مانند ده سیب‌ان که نان شهر را تهیه می‌کرد و ده بله‌جان و آسیاب آن که بین شهر تبریز و شهرستان رشیدی قرار داشت.

۵ دروازه‌ها

شهرستان رشیدی با اینکه مشترکاً با تبریز در حصار غازی محصور بود، با وجود این خود برج و باروی مستحکمی داشت که آثار آن نیز تاکنون باقی مانده است. شهرستان رشیدی چهار دروازه داشت به نام‌های دروازه تبریز، دروازه روم، دروازه عراق و دروازه موغان.

بنا به تحلیلی که از مکان دروازه‌ها به عمل آمد و در نقشه تصویری شهر ترسیم شده است؛ دروازه روم در شمال غربی، دروازه تبریز در جنوب غربی، دروازه موغان در شمال شرقی و دروازه عراق در جنوب شرقی قرار داشته است. براساس این فرضیه؛ بازار فیما بین دروازه تبریز و دروازه عراق امتداد داشته است. مسجد جامع شهرستان در نزدیکی دروازه تبریز و قیصریه در نزدیکی دروازه عراق بوده‌اند.

هر دروازه دارای حوضی بوده است که لوله باریکی از سیستم لوله‌کشی آب شهر، آب حوض را تامین می‌کرده است.

نحوه قرارگیری دروازه‌های شهرستان رشیدی با الگوی عمومی شهرهای کهن متفاوت است دلیل این فرضیه علاوه بر مستندات وقفنامه، مبتنی بر تقسیم کلی شهر به دو بخش ایسر و ایمن یعنی چپ و راست است که بر نحوه قرارگیری‌های مقسم‌های سه‌گانه ربض شهرستان که رشیدالدین در ذکر محل آنها به جای چپ و راست، واژه شرق و غرب به کار برده است (ص ۲۱۳). می‌توان واژگان ایمن و ایسر را به شرق و غرب تعبیر کرد. نحوه قرارگیری تپه رشیدی در تبریز دارای جهت شمال غربی، جنوب شرقی است. بنابراین این فرض شده است که دروازه‌ها در چهار جهت شمال شرقی، شمال غربی، و جنوب شرقی و شمال غربی مستقر شده باشند. ب‌طوری‌که دروازه‌های چهارگانه دو به دو در دو سمت شرق و غرب قرار گرفته‌اند. البته این فرضیه‌ای است منطقی که گزینه دیگر یعنی قرارگیری دروازه عراق در بخش جنوبی شهرستان را نفی نمی‌کند و آن نیز می‌تواند گزینه دیگری برای دروازه عراق باشد.

۶ استخوان‌بندی معابر

بررسی ساختار کلی شهرستان رشیدی حاکی از آن است که شهر دارای معابر منظمی است. البته چگونگی نظم در واقعیت روشن نیست، لیکن اصولاً طرح‌هایی که بر پایه یک طرح پیش‌اندینیده شکل می‌گیرند، به پیروی از نظم منطقی که در ذهن است به نظم هندسی گرایش دارند.

۱- به دلیل نظم هندسی حاکم بر مجموعه شهرستان رشیدی که ناشی از نظم فکری طراح آن یعنی رشیدالدین فضل‌اله ناشی می‌شود.

۲- به دلیل نظم نسبی مورد نیاز لوله‌کشی آب شهر که خواهی نخواهی قواعد لوله‌کشی مسیل به نظم نسبی هندسی دارد.

مهم‌ترین معبر شهرستان رشیدی، خیابانی است مشهور به ممر بزرگ که از بازار به طرف بالا، احتمالاً باغ رشیدآباد کشیده شده است. این خیابان از مقابل کریاس (ورودی) ربع رشیدی می‌گذرد و در آنجا به صورت فضای سرپوشیده (دهلیز) ساخته شده است. محله صالحیه ربض از یک سو به این خیابان و از سوی دیگر به بازار راه دارد.

به عبارتی دیگر این راه عمود بر بازار و احتمالاً به سمت جنوب تا کاغذخانه‌ها و گازرگاه امتداد می‌یافته است. نشانی کهریز حمام رشیدی و ممر (نهر) رشیدآباد زیرین که از ربض به جنوب جاری است احتمالاً از این خیابان می‌گذشته‌اند.

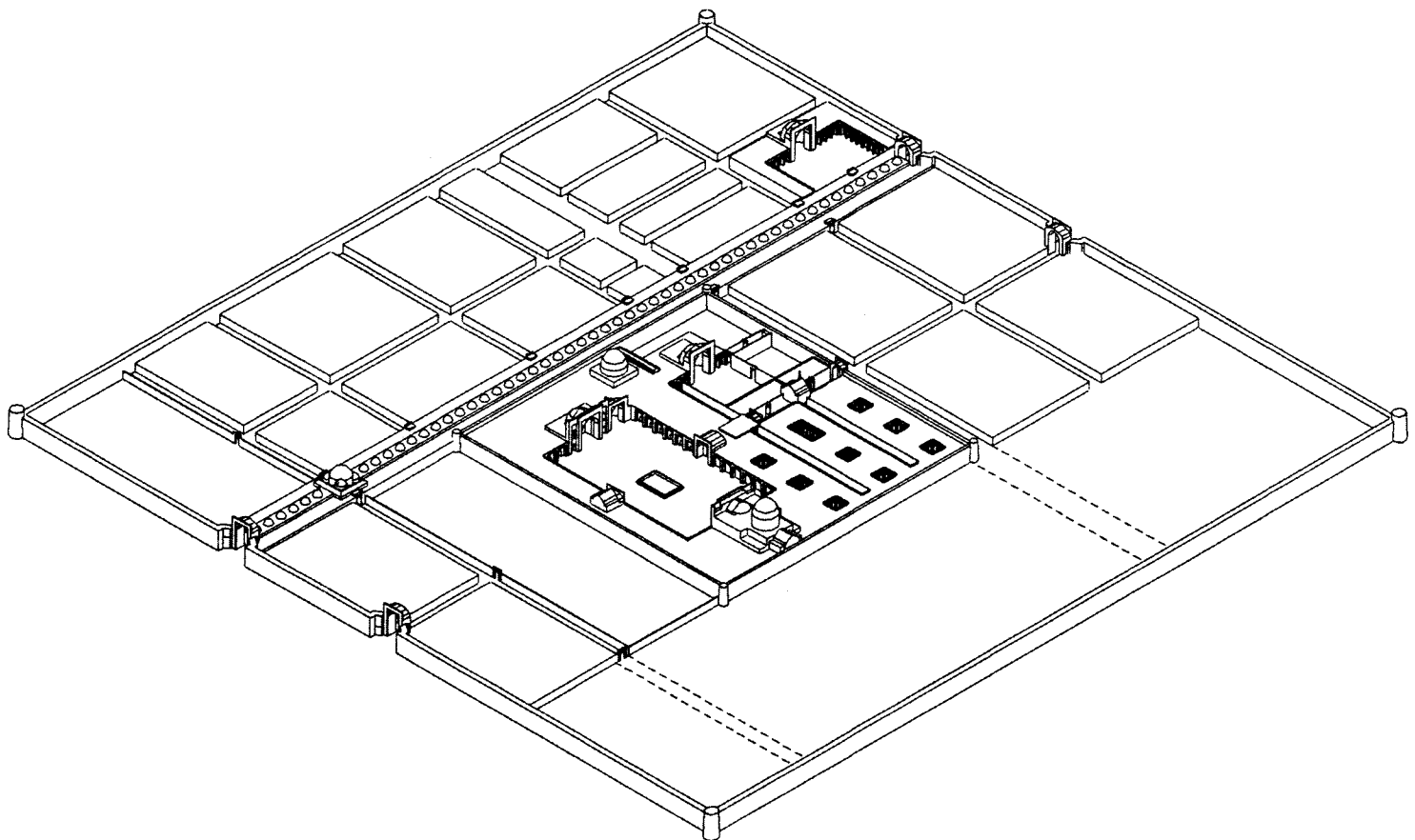
بنابر این می‌توان حدس زد استخوان‌بندی اصلی شهرستان رشیدی دارای دو محور عمود بر هم می‌باشد. یکی ممر بزرگ و دیگری بازار.

خیابان بزرگ

«که آن را ممر بزرگ می‌گوییم و از بازار که می‌گذرند بر آنجا بالا می‌رسد تا دروازه ربع رشیدی می‌رسد و متصل است به دروازه مذکور». (ص ۴۳) خیابان (ممر) بزرگ، از شمال به جنوب از باغ رشیدآباد تا گازرگاه امتداد یافته و در میان راه بازار را قطع می‌کند. این خیابان به بخش غربی شهرستان نزدیک‌تر است. در جوار این محور شمالی - جنوبی، مجموعه ربع رشیدی و محله ربض بالایی و پایینی قرار دارند و ورودی اصلی آنها در این خیابان گشوده می‌شود. بعد از تقاطع با بازار در بخش جنوبی این عناصر در کنار آن مستقرند، حمام رشیدی، دارالمساکین، کاغذخانه‌ها و گازرگاه که در انتهای این خیابان قرار گرفته است.

بازار شهرستان

معبر بازار شرقی غربی بین دروازه عراق و دروازه تبریز شهرستان امتداد یافته است و مهم‌ترین عناصر اقتصادی و اجتماعی شهر یعنی مغازه و کارگاه‌های بازار، کاروانسراها، سراها و به‌ویژه قیصریه، مسجد جامع شهرستان حمام‌ها و دارالمساکین و مطبخ آن در امتداد این محور فعال شهر استقرار یافته‌اند.



شکل ۶- طرح سه بعدی فرضی شهرستان رشیدی، فرضیه احمد سعید نیا

نتیجه‌گیری

همان‌طوری که گفته شد شهرهای ایران عصر اسلامی ایران مجموعه‌ای بود متشکل از چهار بخش. ارگ در میان، شهرستان در پیرامون ارگ و ربض در بیرون شهرستان و باغات در حاشیه ربض. شهرستان رشیدی نیز متشکل از همین چهار بخش اصلی است؛ با این تفاوت که ربض جایگزین شهرستان و شهرستان جایگزین ربض شده است. ربض ربع رشیدی اقامتگاه کارگزاران و نظامیان و اقشار ویژه یعنی کارکنان ربع رشیدی است و شهرستان همانند ربض شهرهای کهن محل بازار و سایر عناصر شهری و سکونتگاه کسبه و پیشه‌وران و عامه مردم است. گویی فقط نام این دو بخش با همدیگر عوض شده، زیرا کارکرد و جایگاه آنها مشابه همدیگر می‌باشد.

از بررسی وقفنامه و تحلیل شهرستان رشیدی دو نتیجه دیگر نیز به دست می‌آید:

الف - طراحی سیستم یا سامانه آب در شهر به صورت یک شبکه منظم آبرسانی به محلات، باغات و عناصر و مواضع مختلف شهر به صورت یک شبکه لوله‌کشی است که در تاریخ شهرسازی سنتی ایران بی‌بدیل می‌باشد. نمونه مشابه آن در سایر شهرها بدین گونه؛ یعنی به صورت شبکه لوله‌کشی وجود نداشته است. به‌طور کلی مدیریت آب شهرستان رشیدی چه در تامین، چه در توزیع و بهره‌برداری سرمشق بزرگی در شهرسازی ایران و جهان به شمار می‌رود.

ب - در برنامه‌ریزی و طراحی شهرستان رشیدی و همچنین ربع رشیدی اصول و معیارهای برنامه‌ریزی و طرح‌ریزی شهری به شگفتی به کار بسته شده است. کارآیی، عدالت، رفاهیت، صرفه‌جویی و وحدت فضایی و پیش‌اندیشی ملاک عمل بوده است.

رشیدالدین در آغاز وقفنامه در اصول و مبانی وقف و سازماندهی مجموعه ربع و شهرستان رشیدی؛ مطلبی را مطرح می‌سازد که باید از آن به عنوان مهم‌ترین آموزه طرح‌ریزی شهری بهره گرفت. برای این منظور، خلاصه آن به عنوان مهم‌ترین درس برای شهرسازی و نتیجه‌گیری نهایی یعنی طرح‌ریزی قبل از عمل در زیر آورده می‌شود:

«هنگامی که استادکاری می‌خواهد تختی مرصع بسازد لازم است جواهر متنوع از زر و نقره و آهن و از چوب‌های گوناگون مانند شمشاد، نارنج و سرو و چنار و گردو و امثال آن صندل سفید و سرخ و آبنوس و عاج و مرجان و صدف تهیه کند. تهیه هر یک از این مواد به استادکار متخصصی سپرده می‌شود. به حکم "کل بیسر لما خلق الله" بنابر این باید هر یک از این متخصصین به اندازه علم خود در آن رنج برده و آن را ساخته و پرداخته کند. استادی مهندس که سرکار (سرپرست - طراح) همه این امور باشد؛ باید طرح آن تخت را قبلاً اندیشیده باشد و به تمام ابزارهای آن واقف باشد و بداند که هر قطعه‌ای از آن به جهت کجا و چگونه و به چه منظور ساخته‌اند، تا

ساختار شهرهای کهن ایران در عهد باستان که در عصر اسلام نیز تداوم یافته؛ از یک الگوی کلی پیروی می‌کرده است. این الگو در رابطه با تقسیم کار اجتماعی و کارکردهای شهری شکل گرفته است. هر چند که ساختار شهرهای نوین در عصر اسلامی با این الگو تفاوت‌های نسبی دارد.

کاوش‌های باستان‌شناسی و منابع جغرافیای تاریخی، شهرهای ایران دوره اسلامی را به صورت مجموعه‌ای نشان می‌دهد که شالوده آن از سه بخش عمده تشکیل می‌شده است:

- ۱- ارگ که محل اقامت حاکم، پادشاه و دیوانخانه حکومتی بوده است.
- ۲- شهرستان که اقامتگاه کارگزاران و نظامیان حکومتی بوده و برخی اقشار اجتماعی مرتبط با آنها نیز در این بخش سکونت داشته‌اند.
- ۳- ربض جایگاه بازار مسجد جامع و کاروانسراها و قیصریه و کارگاه‌ها و سکونتگاه عامه مردم یعنی کسبه و پیشه‌وران بوده است. این بخش عمده در عصر اسلامی به علت گسترش شهرنشینی در جوار شهرهای حکومتی کهن پدید آمد و آباد شد.
- ۴- باغ‌ها که در پیرامون شهرها دایر بود و نقش تامین مواد غذایی و مواد سوخت و انتظام آب شهر را به عهده داشتند. در برخی از شهرها مانند بخارا، پیرامون باغ‌ها نیز دیواری حفاظتی احداث شده بود. (لسترنج: ۱۳۶۴، ۴۴۶ و ۴۹۰)

در قرن چهارم و پنجم هجری که صنعت و تجارت و شهرنشینی در ایران رونق یافت؛ و بخش ارگ و شهرستان رو به ویرانی نهاد، ربض‌ها آباد شدند. چنانکه استخری درباره «ری» می‌گوید:

«شهرستان بیشتر خراب است و ربض آبادان (استخری، ۱۷۰) و مقدسی درباره همدان می‌نویسد: «شهرک ویران در میان است و ربض دور آن است.» (مقدسی: ۳۹۶)

شهر قلعه‌های این دوره اغلب چهار دروازه داشتند، که هر یک به سویی از عالم گشوده می‌شدند. مرو، بلخ، هرات، نیشابور نمونه بارز چنین شهرهایی هستند. فیروزآباد فارس (شهرگور) الگوی کهن این گونه شهرهاست که چهار دروازه به نام‌های مهر به طرف شرق، بهرام به طرف غرب، هرمز در شمال و اردشیر به سوی جنوب بوده است.

ویرانی شهرهای ایران در حمله مغول در قرن هفتم هجری و بازسازی آنها در قرن بعد در شالوده شهرسازی ایرانی دوره اسلامی تغییر چندان پدید نیامورد.

البته این موضوع نیاز به پژوهش جداگانه‌ای دارد، که توسط این پژوهنده در دست تحقیق است. معهذاً در این پژوهش روش شد که رشیدالدین فضل‌اله و شالوده شهرستان رشیدی را برپایه الگوی کهن شهرهای ایران ریخته است. طراحی شهرستان رشیدی که از پیش به دقت در آن اندیشیده و دارای سازمان کالبدی دقیق و مدیریت بی‌نظیر و سامانه آبرسانی بی‌بدیلی است، تقریباً با تفاوت اندکی مطابق الگوی شهری کهن ایران می‌باشد.

- ۸- رجب‌زاده، هاشم: ۱۳۷۷. خواجه رشیدالدین فضل‌اله. انتشارات طرح نو، تهران
- ۹- رشیدالدین فضل‌اله: ۱۳۷۲. جامع‌التواریخ، تصحیح و تحشیه محمد روشن و مصطفی موسوی، تهران
- ۱۰- رشیدالدین فضل‌اله: ۱۳۵۸. سوانح‌الافکار رشیدی. به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران،
- ۱۱- رشیدالدین فضل‌اله: ۱۳۵۶. وقفنامه ربع رشیدی. به کوشش مجتبی مینوی و ایرج افشار، انتشارات آثار ملی ایران، تهران
- ۱۲- لسترنج: ۱۳۶۴. سرزمین‌های خلافت شرقی. ترجمه محمود عرفان، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران
- ۱۳- مجموعه خطابه‌های تحقیقی درباره رشیدالدین فضل‌اله همدانی: ۱۳۵۱. (۱۱ تا ۱۶ آبان ۱۳۴۸)، دانشگاه تهران
- ۱۴- مستوفی، حمداله: ۱۳۳۹. تاریخ‌گزیده. به اهتمام عبدالحمین نوائی، انتشارات امیرکبیر، تهران
- ۱۵- مستوفی، حمداله: ۱۳۳۶. نزهت‌القلوب. تصحیح محمدبیرسیاکی، چاپ طهوری، تهران
- ۱۶- مشکور، دکتر محمدجواد: ۱۳۵۲. تاریخ تبریز. انتشارات انجمن آثار ملی، تهران
- ۱۷- مکاتیب رشیدی: ۱۳۶۴ هـ ق ۱۹۴۵ مسیحی. جمع‌آوری مولانا محمد ابرقوهی. به اهتمام محمدشفیع، لاهور
- ۱۸- مقدسی، ابو‌عبداله محمدبن احمد: ۱۳۶۱. احسن‌التقاسیم فی معرفة‌الاقالیم. ترجمه دکتر علینقی منزوی، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران. تهران
- ۱۹- مؤمنی، مصطفی: ۱۳۷۲. جغرافیای جهان‌بینی وقفنامه رشیدی. شهرستان رشیدی (قسمت دوم)، مجله وقف میراث جاویدان، شماره ۴، سال اول، تهران
- ۲۰- مؤمنی، مصطفی: ۱۳۷۲. جغرافیای جهان‌بینی وقفنامه رشیدی. خواجه رشیدالدین فضل‌اله بانی مجتمع‌های وقفی (قسمت اول). مجله وقف میراث جاویدان، شماره ۳، سال اول، تهران
- ۲۱- میرفتاح، دکتر اصغر: ۱۳۷۰. سلطانیه. کتاب شهرهای ایران، جلد ۴، به کوشش محمدیوسف کیانی، ناشر ندارد، تهران
- ۲۲- نصر، سیدحسین: ۱۳۴۹. مقام رشیدالدین در تاریخ فلسفه و علوم اسلامی. مجله ایران‌شناسی، شماره ۱، تهران
- ۲۳- هیل براند، رابرت: ۱۳۷۷. معماری اسلامی، ترجمه ایرج اعتصام. شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، شهرداری تهران
- 24- Blair S. Sheila, 1984, Ilkhanid Architecture and society. An Analysis of the Endowment Deed of the RAB-I-RASHIDI, IRAN XXII.
- 25- Hoffman, Brigitt, 2000 Waqf im Mongolischen Iran. Rasiduddins Sorge um Nachruhm und Seelenhied Von. Frand Steiner Verlag Stuttgart.

بتواند همه را بر هم ترکیب کند. چه اگر قطعات گوناگون (متفرق) که هر استاد متخصصی آنرا ساخته است در صندوق‌ها و بسته‌های جداگانه بسته‌بندی شده باشند، کسی که بر طرح کلی تخت واقف نباشد، یا اگر نیز واقف باشد. اما نحوه ترکیب آنرا نداند، یعنی نداند که هر یک از اجزاء جهت کجا و چیست و ترکیب و بند و گشای آن چگونه است و چه باید کرد و از صورت و شکل و هیأت تخت وقوفی و تصویری نداشته باشد؛ قادر به ساختن تخت نخواهد شد. اما آن کس که مهندس (طراح) تخت است چون طرح آن در فکر و ضمیر او مصور گشته و هیأت تخت ناساخته و آلات آنرا همه در ذهن دارد. چون ساخته‌های متفرق که هر یک را کسی ساخته است پیش او آرند و او نظر در هر یک اندازد مهندس (طراح) داند که هر یک جهت کجا ساخته شده و پیوند آن چگونه است و چون همه را در نظر آورد بداند که آلات (اجزا) تخت کامل است و اگر چیزی در آن ناقص یا معیوب باشد بفهمد که کدام ناقص و کدام معیوب است و با وجود آن که تخت ناساخته و ساخته هر دو در ضمیر او روشن باشد؛ قادر است که آنرا برای دیگران شرح بدهد و یا همه اجزاء تخت را با همدیگر ترکیب نموده و به ایشان بنماید... به طوری که هر یک از اجزاء به جای خود راست و نیکو در یابست بوده باشد. (ص ۷)

بنابر این لازمه طرح‌ریزی، تصور آن در فکر و ضمیر یعنی اندیشیدن قبل از عمل، و وقوف به اجزاء سازنده و به ویژه چگونگی پیوند و ترکیب اجزاء برای ساختن یک کل می‌باشد.

امری که رشیدالدین فضل‌اله مسلماً در ساختن شهرستان و ربع رشیدی خود بدان عمل کرده است و به گفته خود او انصاف باشد که گویند: «افضل للمتقدم».

منابع و مأخذ:

- ۱- اشپولر، برتولد: ۱۳۶۵. تاریخ مغول ایران. ترجمه محمود میرآفتاب، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، تهران
- ۲- استخری، ابواسحق ابراهیم: ۱۳۶۸. المسالك الممالک، به اهتمام ایرج افشار. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران
- ۳- اقبال، عباس: ۱۳۵۴. تاریخ مغول از حمله چنگیز تا تشکیل دولت تیموری. مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران
- ۴- القاشانی، (کاشانی) ابوالقاسم عبدالله بن محمد: ۱۳۶۸. تاریخ اولجایتو. به اهتمام مهین همبلی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران
- ۵- بروشکی، محمد مهدی: ۱۳۶۵. بررسی روش اداری و آموزش ربع رشیدی. انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد
- ۶- پتروشفسکی، ای. پ: ۱۳۴۴. کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول. ترجمه کریم کشاورز تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، تهران
- ۷- ویلبردونالد، ن: ۱۳۶۵. معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانیان. ترجمه عبدالله فریار، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، تهران